



امامی، پریخ؛ هاشمیان فر، سید علی و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷). تبیین رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، (۱۱)۵، ۲۲۷-۲۵۱.

تبیین رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان

پریخ امامی^۱، سید علی هاشمیان فر^۲ و منصور حقیقتیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۷

چکیده

تحولاتی که در غرب تحت عنوان مدرنیته اتفاق افتاده، پیامدهایی را در سایر نقاط جهان به جای گذاشته که ممکن است در بستر جامعه برای آن فرهنگ سازی نشده باشد. کشور ایران نیز از آن امر مستثنا نیست. خانواده‌گرایی که از مهمترین ارزشهای وابسته به هر فرهنگی است، به نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین اعضای خانواده تاکید می‌تواند، در جوامع مختلف در حال تغییر است. این پژوهش با روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه (پرسشنامه استاندارد خانواده‌گرایی و پرسشنامه محقق ساخته) انجام گرفت. حجم نمونه برابر ۶۶۵ نفر تعیین و با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای، سهم هر منطقه از شهر مشخص و نمونه‌ها در هر منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزار اسپاس انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردید. بر اساس یافته‌ها مشخص شد که بین مدرنیته و خانواده‌گرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد. هر چند عقلانیت و فردگرایی و نگرش مثبت به اشتغال زنان به عنوان ابعاد مدرنیته در جامعه روند رو به رشد دارد، لکن خانواده‌گرایی بالا می‌ماند و خانواده به حیات خود ادامه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان؛ خانواده‌گرایی؛ فردگرایی؛ عقلانیت؛ مدرنیته.

۱- دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد دهقان (نویسنده مسئول)، parirokh.emami@gmail.com

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، seyedalihashemianfar@yahoo.com

۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، Mansour_haghighatian@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

خانواده را می‌توان نخستین نهاد بشری دانست که در پاسخگویی به نیازهای حیاتی، عاطفی و جنسی انسانها شکل گرفته است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیبهای اجتماعی بی‌تاثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱). خانواده مهمترین گروه خویشاوندی است که نقش مهمی در تداوم جامعه از طریق فرزندآوری و اجتماعی کردن فرزندان و آماده نمودن آنها برای زندگی آینده و پذیرش نقش‌های اجتماعی بر عهده دارد. خانواده و ارزشهای آن در دوران معاصر تحت تاثیر فضای اجتماعی و فرهنگی جدید و امکان تبادل فرهنگی بین جوامع دچار تغییر در ارزشهای خود شده است. تردیدی نیست که مهم‌ترین تغییرات امروزی در حوزه خانواده از طریق جریان‌های عمیق و تحولاتی جهانی صورت گرفته است. ذهن انسان دیروز که اغلب از سوی هنجارها و ارزشهای خانوادگی شکل گرفته بود، امروزه تحت تاثیر تعاملات گسترده و نوین، تغییرات زیادی کرده است (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۰).

از جمله مهم‌ترین ارزشها در حوزه خانواده که به موضوع روابط بین اعضای خانواده، احساس تعلق و حمایت عاطفی از اعضای خانواده می‌پردازد و بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین اعضای خانواده تاکید دارد، خانواده‌گرایی است. خانواده‌گرایی^۱ یکی از مهمترین ارزشهای وابسته به هر فرهنگی است که به الگویی از سازمان اجتماعی اشاره می‌تواند و به عنوان بخشی از نگاه جامعه است که بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین گروه خانواده تاکید می‌تواند (پونزتی^۲، ۲۰۰۳). خانواده‌گرایی سازه‌ای است که ماهیت جمع‌گرایی و جهت‌گیری افراد نسبت به آسایش، وفاق و رفاه اعضای خانواده را نشان می‌دهد (رجبی و عباس پور، ۱۳۹۲: ۲۶). هر جامعه‌ای برای انجام اعمال و رفتار خود، برای زندگی خانوادگی، حفظ مذهب و دین، حقوق سایرین، احترام به والدین و بزرگان ارزش‌هایی قائل است که به طور وسیع در جامعه رواج داشته که معمولاً این ارزشها، ریشه دار و عمیق هستند و جزء نظام فرهنگی محسوب می‌شوند و خانواده‌گرایی یکی از این ارزشها است. انسان معاصر با فشردگی زمان و مکان در دنیای معاصر روبرو است، به گونه‌ای که مناطق گوناگون جهان چنان با هم مرتبط هستند که موجهای دگرگونی سراسر زمین را به سرعت در خواهند نوردید. جامعه ایران نیز از تغییرات فرهنگی و اجتماعی که در سراسر دنیا رخ داده، مستثنی نیست.

1- familism

2- ponzetti

کارکردها، تعاملات و ارزشهای خانوادگی، گو این که در برابر دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی مقاومت می‌ورزند، اما در عین حال سست شده‌اند و به تدریج به نفع هنجارهای تازه به حاشیه رانده شده و کنار گذاشته می‌شوند (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۹۶). عوامل فرهنگی و اجتماعی متعددی بر ارزشهای جامعه تاثیر گذاشته و افراد لزوماً تمام ارزشهای مطلوب جوامع‌شان را فرا نمی‌گیرند، بلکه ارزشهایی را می‌پذیرند که با تجربه مستقیم‌شان و سبک زندگی انتخابی آنها سازگار است. جامعه‌ی ما نیز سالهاست که در مسیر جریانی جهانی؛ به نام مدرنیته قرار گرفته که توسط نسل‌های پیشین مشاهده و تجربه نشده بود. مدرنیته یک جریان ناشی از تحول در ساختارهای اجتماعی است که پیوندهای جمعی و مشترک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گیدنز (۱۳۷۷) مدرنیته را شیوه‌های نوین زندگی و یا سازمان‌های اجتماعی خاصی می‌داند که نشان می‌دهد بشر از گذشته بریده است. بدین معنا که نهادهای اجتماعی مدرن، از برخی جهات ویژگی بی‌همتایی دارند که آنها را از سازمان‌های سنتی متمایز کرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶). در روند مدرنیته؛ جامعه دگرگونی‌های گسترده‌ای در هنجارها و ارزش‌های نظام فرهنگی تجربه می‌نماید که بر کلیه نهادهای اجتماعی از جمله خانواده تاثیر می‌گذارد که گاهی این دگرگونی‌ها می‌تواند تغییرات متعددی را در نهادهای اجتماعی از جمله خانواده به دنبال داشته باشد.

گیدنز (۱۳۷۹) معتقد است به عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته پدیده‌ای به نام دموکراسی عاطفی در روابط جدید خانوادگی شکل گرفته که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بر اساس شاخص‌های دموکراتیک شکل می‌گیرد. امروزه منابع هویت‌ساز متعددی در اختیار افراد قرار گرفته که تکثر این منابع موجب شده که هر کس سبک زندگی خاصی برگزیند که ممکن است با ارزشهای جامعه مغایرت داشته باشد و بر اساس آن روابط اجتماعی خود را تعریف نماید. جامعه‌شناسان در خصوص تغییرات و دگرگونی‌هایی که در خانواده به وجود آمده است، بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته و تغییرات ارزشی ناشی از فرایند مدرنیته مانند فمینیسم و غیره اشاره دارند (احمدی، قاسمی و کاظمی پور، ۱۳۹۱: ۸۲). ثبات و دوام خانواده یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج و نشانه یک جامعه باثبات اجتماعی و فرهنگی است. بدین لحاظ افزایش آمار طلاق به عنوان یکی از آسیبهای اجتماعی شناخته می‌شود که علل متعددی اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد. یکی از این علل می‌تواند تغییر در نظام ارزشی افراد از جمله ارزش خانوادگی‌گرایی باشد. بررسی آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۰، نسبت ازدواج به طلاق در شهر اصفهان ۱۶/۶ ازدواج ثبت شده در مقابل یک مورد طلاق بوده و در سال ۱۳۸۰ نسبت مذکور به ۱۲ مورد ازدواج

در برابر یک مورد طلاق رسیده است. در سال ۱۳۹۰ در مقابل شش مورد ازدواج، یک طلاق گزارش شده و در سال ۱۳۹۳ در برابر ۳/۳ ازدواج، یک مورد طلاق به ثبت رسیده است (سایت ثبت احوال استان اصفهان، ۱۳۹۳). افزایش آمار طلاق می‌تواند نشان از تغییر در ارزشهای خانواده محسوب شود. خانواده‌گرایی به عنوان یکی از سازه‌های مهم فرهنگی نقش موثری در روابط درون خانواده و در نتیجه دوام آن داشته باشد.

پژوهش حاضر در صدد است به بررسی تاثیر ابعاد مختلف مدرنیته بر خانواده‌گرایی در بین خانواده‌های شهر اصفهان بپردازد. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا ابعاد مختلف مدرنیته موجب کاهش خانواده‌گرایی به عنوان یک سازه فرهنگی شده است؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

آزادارمکی، زند و جزائی (۱۳۸۱) در ارتباط با روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده‌های تهرانی طی سه نسل پژوهشی با روش پیمایشی انجام داده‌اند و ملاحظه شده که در خانواده‌های تهرانی تغییرات در نگرش‌های افراد نسبت به مسائل عمده‌ای چون ازدواج و مناسک آن ایجاد شده، اما مردم شهر تهران همچنان خانواده را به عنوان یک امر جدی اجتماعی تلقی نموده که برای حفظ و بقای آن باید تلاش نمود. تحولات خانواده در جهت انطباق پذیری با شرایط جدید اجتماعی فرهنگی ایران و جهان در حال وقوع است.

آزادارمکی و ملکی (۱۳۸۵) در تحلیل رابطه بین سنت و مدرنیته به این نتیجه رسیده‌اند که در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران، ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است. در سطح کلان، بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد، یعنی در فرآیند مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد.

بر اساس پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۱) ساختار خانواده در کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است. در کشورهایی چون عراق که در مراحل ابتدایی گذر جمعیتی هستند خانواده‌گرایی در بین آنها زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آنها مثبت است اما در کشورهایی که در مرحله دوم گذر جمعیتی هستند مانند سوئد، فنلاند و فرانسه خانواده‌گرایی پایین و نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده منفی است. روند تغییرات ازدواج و نگرش نسبت به ازدواج در کشورهایی مثل ایران نشان می‌دهد عوامل فرهنگی به ویژه آموزه‌های اسلامی

در خانواده‌گرایی و تشکیل خانواده مهم است بنابراین، روند گذار جمعیتی دوم تک خطی نیست و بر حسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است.

رجبی و عباس‌پور (۱۳۹۲) تحقیقی در خصوص بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی انجام داده‌اند. محققین، خانواده‌گرایی را به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های وابسته به فرهنگ و بخشی از نگاه سنتی جامعه که بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین گروه خانواده تأکید می‌نماید، تعریف کرده‌اند. خانواده‌گرایی یک مفهوم جهانی بوده و یک سازه با سه بعد ساختاری، رفتاری و نگرشی می‌باشد. در این پژوهش عنوان شده فقدان ادبیات نظری و پژوهش در کشور ایران ایجاب کرده تا محققین نسبت به شناخت و کاربست آن در کشور اقدام کنند. زیرا تحقیقات مختلف در خارج از کشور نشان داده که خانواده‌گرایی نقش مثبتی در فرهنگ‌های مختلف دارد ولی تغییرات فرهنگی، مهاجرت و تغییر در ارزش‌های خانوادگی و ازدواج در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد که این سازه در حال تغییر است و لذا بررسی پایایی و روایی مقیاس خانواده‌گرایی برای استفاده‌های پژوهشی می‌تواند شروع مناسبی برای ورود این سازه به حوزه فرهنگی جامعه ایران باشد.

جمشیدیها، صادقی‌فسایی و لول‌آور (۱۳۹۲) پژوهشی در خصوص بررسی تأثیر فرهنگ مدرن از نظر جنسیتی بر تحولات خانواده در شهر تهران و به روش کیفی انجام داده‌اند. بر اساس این پژوهش، دگرگونی نهاد و ساختار خانواده یکی از پیامدهای مدرنیته در غرب بوده که فقط محدود به کشورهای پیشرفته غربی نیست؛ بلکه سایر کشورها نیز درجاتی از آن را تجربه می‌کنند و خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها و روابط نقش‌ها پیش می‌رود. به لحاظ جنسیتی، تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای بین زنان و مردان در تعریف ویژگی‌های خانواده سنتی و مدرن، روایت آنان از دگرگونی ساختار و روابط خانوادگی در جریان تحول خانواده، نحوه مواجهه و میزان پذیرش این تغییرات و شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در این زمینه وجود دارد.

فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد پرداخته‌اند. محققین در صدد واکاوی تأثیر عناصر نوگرایی شامل فردگرایی، عقلانیت، سودگرایی و عرفی‌شدن بر روابط خانوادگی بوده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، با وجود گذشت بیش از یکصد سال از شروع تجربه نوسازی و کوشش‌های معطوف به استقرار مدرنیته در ایران، همچنان چالش سنت و مدرنیته در جامعه ایرانی به عنوان معضلی اساسی تلقی می‌شود. جامعه ایران دگرگونی‌های زیادی ناشی از نوگرایی و مدرنیته را تجربه کرده و این تغییرات در حد ظواهر نیست بلکه در مواردی جنبه‌های ساختاری نیز داشته و برخی

ساختارهای اساسی را در معرض تغییر قرار داده است که از مهم‌ترین آن‌ها، تغییرات ساختاری خانواده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، به موازات افزایش میزان مؤلفه‌های نوگرایی، میزان حمایت خویشاوندی در بین جمعیت مورد مطالعه کاهش یافته و هر چند که سنت به طور کامل از بین نرفته، اما در عرصه عمومی سنت و مدرنیته در کنار هم حضور دارند که در مواردی با هم ناسازگارند. بر اساس یافته‌های پژوهش، هر جا ارزشهای نوین و عناصر مدرنیته به جامعه‌ای وارد شوند، سنت و ارزش‌های پیشین کارایی خود را تا حدی از دست می‌دهد. ورود مؤلفه‌های نوگرایی موجب کاهش حمایت و تعاملات بین خانواده‌های شهر یزد شده است.

مدیری و مهدوی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران انجام داده‌اند. بر اساس این پژوهش، به واسطه فرآیند مدرنیته در غرب و نفوذ آن در ایران، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی نیز پیامدهایی را از طریق شهرنشینی، اقتصاد صنعتی، توسعه نظام اداری و ... در خود پذیرفته و همزمان با بهبود شاخص‌های تجدیدگرایی و افزایش سطح توسعه اقتصادی و انسانی، تغییرات فرهنگی نیز به وقوع پیوسته است که می‌توان تأثیر آن را در خانواده مشاهده کرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد خانواده و ازدواج همچنان از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و مقاومت‌های جدی در تعهدات جنسی وجود دارد. در جامعه در حال گذر از سنت به مدرنیته ما، در حالی که هنوز زیر ساخت ارزش‌های مدرن فراهم نشده، با ظهور عناصری از ارزش‌های پست مدرن خانوادگی مواجهیم که از نسل اول به سوم افزایش یافته و اگر چه بطئی است، اما در حال گسترش است..

عباس زاده، سعیدی عطایی و افشاری (۱۳۹۴) پژوهشی در ارتباط با مطالعه تأثیر برخی از عوامل جریان مدرنیته بر گرایش زنان به طلاق در شهر زنجان با روش پیمایشی انجام داده‌اند. جهانی شدن در نهاد خانواده تأثیر گذاشته و موجب دگرگونی اساسی در نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده گردیده است که نتیجه آن، رشد فرد گرایی و ظهور عشق‌های رمانتیک می‌باشد. نوعی مدرنیته «بومی» در خانواده‌های ایرانی شکل گرفته که بدین معنا که خانواده‌های ایرانی علی‌رغم تجدیدگرایی در نوع و سبک زندگی، همچنان دارای اندیشه سنتی هستند و در واقع در اندیشه (ذهنیت) سنتی و در عینیت، مدرن هستند که نتیجه آن در نگرش سنتی به جایگاه و نقش و وظایف زنان در خانواده و اجتماع قابل ملاحظه است که این تعارض بین سنت و مدرنیته عاملی برای بروز اختلاف میان زوجین و فروپاشی کانون خانواده می‌باشد.

در مطالعه ای که لوسادا، نایت، گونزالس و مونتوریو^۱ (۲۰۰۸) در خصوص خانواده‌گرایی و تاثیر آن در علایم افسردگی در بین اسپانیایی زبان ها به روش پیمایشی انجام داده‌اند؛ ملاحظه شده که خانواده‌گرایی یک ارزش مهم و کلیدی در فرهنگ اسپانیایی است که پایبندی به آن همراه با زحمات و تلاشهای زیاد است. هر چند که این موضوع در سایر فرهنگ ها نیز قابل مشاهده است، اما شدت و حدت آن در فرهنگ های مختلف متفاوت بوده و در فرهنگ اسپانیایی به عنوان یک ارزش مهم تلقی می شود. خانواده‌گرایی تاثیر مستقیم در روابط خانوادگی و بروز علائم افسردگی دارد به گونه ای که با افزایش خانواده‌گرایی میزان افسردگی کاهش می یابد و بر این اساس در خانواده‌های اسپانیایی با خانواده‌گرایی بالا افسردگی کمتر است.

شوارتز^۲ (۲۰۰۷) در میامی آمریکا در خصوص کاربرد خانواده‌گرایی در بین گروه های قومی متنوع از طریق پیمایشی تحقیقی انجام داده است. بر اساس یافته های پژوهش؛ خانواده‌گرایی در جامعه آمریکا به عنوان یک ارزش فرهنگی اسپانیایی نگریسته می شود که قابلیت برنامه ریزی و سنجش در بین سایر گروه های قومی را نیز دارد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داده نمره های خانواده‌گرایی در بین گروههای قومی با قومیت و ارزش فرهنگی آن گروه هم خوانی دارد. تفاوت های معنا دار در میانگین ها نشان داده که ارزش‌های خانواده‌گرایی در بین سایر قومها نیز وجود دارد و محقق نتیجه گیری کرده که همگرایی بین ارزشهای خانواده‌گرایی و سایر ارزشهای جمع گرایی در میان اقوام مختلف وجود دارد.

در تحقیق گارسیا هایدبرو و مندن هال^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی در خصوص ارزش خانوادگی و فرصتی برای ارتقا سلامت و پیشگیری از بیماری در آمریکا انجام داده‌اند. بر اساس این پژوهش با مطالعه بالینی افراد اذعان شده هرچند که امید به زندگی در کشورهای صنعتی افزایش یافته اما بیماریهای مزمن و ذهنی چالش سلامتی در عصر معاصر است. بر اساس این پژوهش با بررسی فواید ارزشهای خانواده‌گرایی نتیجه گیری شده مداخله حمایت خانواده موجب کاهش تاثیر بیماری شده و باید با افزایش مناسبات و روابط خانوادگی و توسعه فعالیت‌های قوی فامیلی به سمت کاهش بیماریهای جسمی و مغزی پیش رفت.

همان گونه که در این تحقیقات ملاحظه می شود هر چند خانواده از مدرنیته و سایر مولفه های جهان معاصر تاثیر می پذیرد لکن این تاثیر پذیری بسته به سازه های فرهنگی در جوامع مختلف متفاوت است. در این شرایط نیز خانواده به حیات خود ادامه می‌دهد و خانواده‌گرایی به

1- Losada, Knight, Gonzalez, Montorio

2- Schwartz, Sthhj

3- García-Huidobro, Mendenhall

عنوان یک ارزش مهم در حوزه خانواده باقی می‌ماند اما دچار دگورگونی و تغییر شده که با ورود ارزش‌های جدید به جامعه همراه است. قابل توجه این که در اکثر پژوهش‌های خارجی به اهمیت موضوع خانواده‌گرایی در سلامت روانی افراد خانواده و نقش آن در جامعه پرداخته شده است. حال سوال مهم برای محقق این است که با توجه به رشد مولفه‌های مدرنیته در جامعه ایران، خانواده‌گرایی تا چه میزان از آن تاثیر می‌پذیرد.

۲-۲- چهارچوب نظری

در ادامه برخی از مفاهیم و نظرات در ارتباط با مدرنیته و خانواده بیان می‌شود تا بتوان به چرایی مسئله پی برد و برای سوالات تحقیق پاسخ اساسی یافت و هر چه بهتر متغیرهای مستقل و متغیر را شناسایی نمود.

به نظر اینگلهارت (۱۳۸۲)، صنعتی شدن و مدرنیزاسیون دو مفهوم مهمی هستند که منجر به تغییرات ارزشی در نظام اجتماعی می‌شوند و همگام با توسعه اقتصادی، افزایش آموزش و ارتقای سطوح آن و اشاعه رسانه‌های جمعی تغییرات مهمی در ارزشها به وجود می‌آید که به طور حتم در خانواده نیز تاثیر گذار خواهد بود. هر فرهنگ، در صدد پاسخگویی به نیاز مردم جامعه در راستای تطابق با محیط‌شان است که موجب می‌شود که سایر نظام‌های اجتماعی به تبع آن تغییر کند. دنیای مدرن الزامات جدیدی بر بشر تحمیل کرده که منجر به بازتعریف خانواده و ارزشهای آن شده و چون برگشت به گذشته متصور و محتمل نیست، باید پذیرفت که ادامه حیات هر یک از نهادهای اجتماعی از جمله خانواده منوط به این مسئله است که بتوانند در شرایط جدید کارکرد خود را حفظ کرده و ارزشهایی متناسب با دوران جدید تعریف کنند که مورد توافق عمومی باشد. یکی از این ارزشها، خانواده‌گرایی است.

خانواده‌گرایی می‌تواند عاملی در ارتباط با احساس امنیت و همچنین اعتماد و کسب هویت خانوادگی فرد محسوب گردد که سلامت روانی افراد را بهبود می‌بخشد. در واقع خانواده‌گرایی منابع فرهنگی در اختیار فرد قرار می‌دهد که در آسان‌سازی شرایط دشوار زندگی و کاهش تاثیرات منفی وضعیت اجتماعی و اقتصادی بسیار موثر است. پیکره خانواده بر احساس تعلق نسبت به آن بنا شده است، احساسی که افراد را وادار می‌توان تنها منافع خود را در نظر نگیرند بلکه منافع جمعی را ملاک عمل قرار دهند و در شرایط گوناگون علاوه بر منافع فردی خود به مصالح کلی خانواده نیز نظر داشته باشند، در این حالت افراد در تمامی فعالیت‌های یکدیگر سهیم می‌شوند و این نوع فعالیت‌ها نقش مهمی در استحکام و بقای خانواده دارد (ویدمر، ۲۰۰۸ : ۳). خانواده‌گرایی به موضوع روابط درون خانواده (والدین و فرزندان)، ارتباط با خانواده‌های مرجع

و سایر خویشان، ابعاد خانواده، میزان فرمانبرداری از سایر اعضای خانواده و حمایت عاطفی از اعضای خانواده و خویشاوندان می‌پردازد. این ارزش همانند سایر ارزشهای فرهنگی متأثر از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه بوده و تغییرات اجتماعی و فرهنگی از جمله مدرنیته بر روی آن موثر می‌باشد. خانواده‌گرایی دارای سه بعد نگرشی، رفتاری و ساختاری است. از دیدگاه روان‌شناختی، خانواده‌گرایی به دسته‌ای از نگرش‌ها اطلاق می‌شود که روابط خانواده را برای زندگی شخصی و اجتماعی، رشد احساس وظیفه در بین اعضای گروه خانواده و همچنین این عقیده که بچه داشتن لازمه‌ای برای تحقق اجتماعی و فردی است، را مورد تأکید قرار می‌دهد (رجبی و عباسپور، ۱۳۹۲: ۲۶). انتخاب عقلانی، فرد‌گرایی و ترجیح منافع فردی به جای منافع جمعی، تقدس‌زدایی از امور و همچنین تغییر سبک زندگی ناشی از صنعتی شدن و شهرنشینی از جمله شاخص‌های مدرنیته هستند که در نگرش افراد مؤثر شده و موجب شده که بعد نگرش خانواده‌گرایی مجدد بازتعریف گردد. از آن جایی که نگرش موجب رفتار می‌شود که نتیجه آن در مناسبات فردی و در جامعه قابل مشاهده است، بررسی نگرشها از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. باید اذعان کرد مدرنیته پیامدهای مثبت و منفی همراه خود داشته است. دگرگونی‌های جهانی ناشی از مدرنیته فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد و دنیای متجدد به طرز عمیقی در قلب، هویت و احساسات شخصی نفوذ می‌تواند و حوزه‌ای که امروز با اصطلاح «روابط شخصی» از آن یاد می‌کنیم، فرصت‌هایی برای ابراز صمیمیت و بیان خویشتن در اختیار ما می‌نهد که در بافت اجتماعی بسیاری از جوامع سنتی وجود ندارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰).

مدرنیته نگرشی در سیر تاریخ می‌باشد که پس از طی مراحل و تجارب گوناگون در افکار انسان پیدا شده است. خصوصیت این نگرش بر این مبنا است که انسان بر حل مشکلات خود تواناست و عقل حلال این مشکلات است و انسان می‌تواند سرنوشت خود را بسازد (سلطان‌القرائی، ۱۳۸۵: ۴۷). مدرنیته به معنای روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، عاطفی و ...)، رشد اندیشه علمی و خردباوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه است که همه همراهند با سامان‌یابی تولید، تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت (واترز^۱، ۱۳۷۹: ۵۹). مدرنیته یک جریان ناشی از تحول در ساختارهای اجتماعی است که همراه خود پیامدهای مثبت و منفی داشته است. از جمله؛ فرایند مدرنیته، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد، متلاشی می‌تواند، پیوندهای جمعی و مشترک

گرم و شخصی جایشان را به روابط غیر شخصی و رقابتی در جامعه‌ای می دهند که مبتنی بر توفیق شخصی است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۲۳). مدرنیته باعث تغییر در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شده است. در دوران قبل از مدرنیته انسانها جمع گرا، تابع آداب و سنن بوده اما در دوران مدرنیته افراد خود را خودمختار دانسته که هر یک به دنبال گسترش آزادی خود و دست یافتن به منابع شخصی هستند. زیمل در آرای خود عنصر اصلی جریان مدرنیته را گسترش آزادی فردی می داند (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۸۶).

یکی از شاخص‌های مهم مدرنیته، گسترش فردگرایی است. تولد فرد خودمختار در دوره‌ای مابین اومانیسزم رنسانس در قرن شانزدهم و روشنگری قرن هجدهم، نشانگر گسستی مهم از گذشته بود و به اعتقاد برخی، موتور محرکی بود که کل نظام اجتماعی مدرنیته را به حرکت در آورد (رفعت جاه: ۱۳۸۷: ۱۴). فردگرایی عبارت است از گرایش ذهنی و رفتاری که به خود مختاری فرد منجر می شود و خواسته‌های فردی از اهداف و خواسته‌های دیگران برایش مهم تر هستند. دوران مدرن به شکل جدیدی از فردگرایی امکان بروز داد که در مرکز آن مفهوم سوژه فردی و هویت او قرار گرفته است. تغییراتی که در دوران مدرنیته رخ داد، فرد را از ریسمان‌ها و زنجیرهای ثابتی که در سنت‌ها و ساختارها وجود داشت رها کرد (رفعت جاه: ۱۳۸۷: ۳). تورنتون^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است (احمدی، قاسمی و کاظمی پور، ۱۳۹۱: ۸۲).

عقلانیت به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های مدرنیته می‌باشد که بر عقل و خرد انسان در زمینه‌های مختلف تاکید کرده که می‌توان از آن به عنوان خردباوری نیز یاد کرد. خرد باوری یعنی تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن و ویرانگری عاداتهای اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزشها، حس‌ها، باورها و در یک کلام، شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). باید توجه داشت که عقل تنها استعداد فردی و یا ویژگی زیست‌شناختی نیست، بلکه پدیده‌ای است دارای هویت جمعی. مفاهیمی چون رفتار عقلانی و خردباوری مفاهیمی هستند که در محدوده اجتماع و انتخابهای افراد در ارتباطات اجتماعی معنا می یابد و هر چند که عقل را می‌توان یک استعداد ذاتی ناشی از فعالیت مکانیسم‌های مغزی و فردی است، اما رفتار عقلانی و کنش عقلانی در جمع معنا می یابد و در مقابل کنش‌های افراد در مقابل هم تعریف می شود.

اشتغال زنان به عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته مورد توجه است. میزان مشارکت زنان در بازار کار که طی دهه های اخیر در جهان روند فزاینده ای را طی کرده است به عنوان مهمترین ویژگی «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» محسوب می شود (فروتن، ۱۳۹۰: ۴۰). وقوع جنگ جهانی دوم و غیبت مردان در خانواده این فرصت را به زنان داد تا به بازار کار وارد شوند و از طرفی ایجاد نهادهای خدماتی جدید و ورود تکنولوژی به خانه در قالب لوازم خانگی، به مدد زنان آمد تا بتوانند با آرامش بیشتری ضمن محول نمودن بخشی از وظایف خود از جمله نگهداری فرزندان به مهدکودک ها و همچنین کنترل بارداری با کمک پیشرفت علوم پزشکی و استفاده از وسایل جدید زندگی، در بازار کار مشارکت کنند. باید پذیرفت که پذیرش نقش فعال برای زنان جهت حضور در صحنه های اجتماعی و اقتصادی نیازمند تغییر در نگرش افراد جامعه است که همواره نقش‌های سنتی مبتنی بر حضور تمام وقت زنان در محیط خانه را تصور می نمودند.

مولفه‌های خانواده‌های امروزی، یعنی نزدیکی و صمیمیت، عواطف و جنسیت در حال تحول هستند و این تحولات بنیادی علاوه بر این که منجر به پیدایش اشکال مختلفی از خانواده و نوع جدیدی از مناسبات خانوادگی می گردد، مستقیماً به تغییرات گسترده تر اجتماعی، اقتصادی و ... مربوط می شود. در حوزه زندگی شخصی، هرچه جامعه پسا‌سنتی توسعه بیشتری می یابد، حرکت به سوی آن چه که می توان آن را رابطه ناب در روابط جنسی، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۸۹). گیدنز رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خود مرجع می داند که منحصراً وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می شود. این نوع روابط بر مبنای «فردگرایی» شکل می گیرد که مشخصه دنیای مدرن است.

در جوامع سنتی، ارتباط با بعد زمان و مکان معنا می یافت اما اکنون امکان ارتباط بین افراد، مستقل از بعد مکان و حتی بدون نیاز به حضور فیزیکی ممکن شده و می توان ارتباط را با کسانی برقرار کرد که غایب بوده و حتی تجربه حضور فیزیکی با ایشان وجود ندارد. به عبارت دیگر برقراری ارتباط از شکل چهره به چهره خارج شده است. پایبندی و اعتماد در جوامع سنتی چهره به چهره و مبتنی بر «هم حضوری» است که در چهار محیط شامل نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، جهان بینی مذهبی و سنت شکل می گرفته است. در شرایط مدرن، روابط و اعتماد مبتنی بر نظام های انتزاعی و در جدایی زمان و مکان می باشد. گیدنز از سه محیط اعتماد آمیز در دوران مدرن نام می برد؛ اول: روابط شخصی دوستی یا صمیمیت جنسی به عنوان وسیله تثبیت پیوندهای اجتماعی؛ دوم: نظام های انتزاعی به عنوان وسیله تثبیت روابط در راستای پهنه های

نامشخص زمانی مکانی؛ سوم: اندیشه ضد واقعی و آینده‌گرایانه به عنوان شیوه ارتباط گذشته و حال (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

به باور گیدنز، روابط خویشاوندی در دوران معاصر تغییر یافته و هرچند برخی روابط خویشاوندی قوی باقی مانده اند، اما نمی‌تواند به معنای این باشد که خویشاوندی هنوز همان نقشی را که زمانی در تنظیم زندگی روزانه اکثریت مردم بازی می‌کرد، ایفا می‌تواند بکند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴). کودکان در حین اجتماعی شدن، اعتماد کردن را می‌آموزند و از حمایت‌های پدر و مادر برخوردارند. این جنبه اجتماعی شدن یک نوع پیله حفاظتی^۱ برای آدم‌ها فراهم می‌سازد تا زمانی که آنها به بلوغ می‌رسند مقداری اعتماد و امنیت هستی‌شناختی داشته باشند (ریتزر و گودمن^۲، ۱۳۹۰: ۶۳۲).

با این حال شرایط جهان معاصر به گونه‌ای است که اعتماد افراد را تهدید می‌کند و این تهدید به ناامنی هستی‌شناختی فراگیری منجر می‌شود (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۶۳۲). این همان چهره مخاطره‌آمیز مدرنیته است و آگاهی روزافزون انسانها به برخی مخاطرات که چهره جهانی یافته مانند جنگ، فقر، آلودگی محیطی، خشونت و... موجب شده که قطعیت ارزشها و هنجارهای جامعه سنتی کاهش و نوعی احساس عدم امنیت در بین انسانها به وجود بیاید. بر اثر نفوذ شاخص‌های مدرنیته وضعیت اعتماد از وابستگی به مکان و روابط خویشاوندی رها و منوط به صمیمیت می‌شود و اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است (جلائی پور و گرامیان، ۱۳۹۰: ۲۶). اعتماد امری از قبل تعریف شده نیست که در روابط مشخصی حاصل شود. انسانها، روابط و شبکه‌های اجتماعی خود را انتخاب می‌کنند و با برقراری ارتباط با افراد، این روابط با خاصیت بازتابندگی، حفظ و تجدید می‌شود. اعتماد را می‌توان در شعاع‌های اعتماد که به تدریج از عینی‌ترین روابط بین شخصی به سمت روابط انتزاعی‌تر معطوف به موضوع‌های اجتماعی بسط می‌یابند، بررسی کرد. محدودترین شعاع‌ها مربوط به اعتماد میان اعضای خانواده می‌شود و گسترده‌ترین دایره، شامل دسته‌های بزرگی از مردم می‌شوند که به اصطلاح "دیگران غایب" هستند. حالت انتزاعی‌تر اعتماد، معطوف به نهادها و سازمان‌هاست. مدرسه، دانشگاه، و ... نوعاً موضوع‌هایی از این نوع اعتماد هستند (زتومکا^۳، ۱۳۸۶: ۸۰). یکی از محیط‌هایی که افراد در آن به دنبال کسب اعتماد و امنیت هستند، خانواده می‌باشد. در جوامع ماقبل مدرن، محدودیت ارتباطات و

1- protective cocom

2- Ritzer, Goodman

3- Sztompka

گروه‌های مرجع موجب می‌شد که افراد فقط در چارچوب خانواده و خویشان خود به دنبال کسب اعتماد و امنیت باشند. اما تغییر شکل ارتباطات موجب شده که معنای خانواده و روابط آن نیز تغییر کند.

گیدنز عقیده دارد لازمه داشتن یک جامعه مستحکم داشتن خانواده‌های مستحکم است اما تعریف خانواده مستحکم با گذشته تفاوت کرده و بایستی بر اساس تساوی بین دو جنس و ویژگی‌های دیگری بنا شود که مشابه خانواده‌های سنتی نخواهد بود. برای درک اختلاف نظر در رویه‌ها در حوزه زندگی خانوادگی و روابط جنسی باید به موضوع دموکراسی عاطفی پرداخت که مبتنی بر تساوی بین زن و مرد است. یعنی برای داشتن یک خانواده مستحکم که خانواده‌ای دموکراتیک نیز هست باید از ویژگی اصلی خانواده سنتی که زن و مرد هیچ‌گاه در آن مساوی نبودند دوری کرد و در حوزه زندگی عاطفی نیز علاوه بر عرصه سیاسی باید به سمت تساوی حرکت کنیم (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳). نهایت این موضوع به نظر گیدنز منجر به ایجاد رابطه ناب می‌گردد که علاوه بر ایجاد احساس رضایت در فرد، به همراه خود احساس امنیت و اعتماد دارد. در این پژوهش نیز بعد نگرشی خانواده‌گرایی با توجه به دیدگاه‌های گیدنز در خصوص مدرنیته و خانواده مورد بررسی واقع می‌شود.

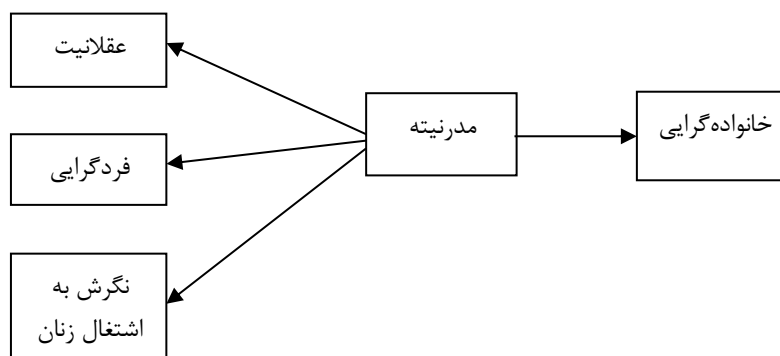
۲-۳- مدل مفهومی تحقیق

با جمع‌بندی نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های زیر با هدف بررسی تاثیر مدرنیته در خانواده‌گرایی ارائه می‌شود:

فرضیه کلی پژوهش: بین مدرنیته و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
فرضیه‌های فرعی پژوهش:

- بین عقلانیت و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین فردگرایی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به اشتغال زنان و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.

مدل نظری تحقیق در نمودار ۱، ارائه شده است.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

۳- روش تحقیق

این تحقیق از نوع کمی و به شیوه‌ی توصیفی، تحلیلی می‌باشد که در زمره پژوهش‌های تبیینی و در پارادایم اثبات‌گرایی قرار گرفته و از حیث هدف، کاربردی می‌باشد. پس از جمع‌آوری داده‌ها با ابزار پرسشنامه به تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ و رگرسیون و تحلیل مسیر پرداخته شده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شهروندان شهر اصفهان اعم از زن و مرد و در محدوده سنی ۱۹ تا ۶۵ سال می‌باشد که تعداد آنها بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۹۰۸،۹۶۸ نفر می‌باشد (سالنامه آماری شهرداری اصفهان، ۱۳۹۳). با استفاده از فرمول کوکران برای جمعیت بزرگ، حجم نمونه مطلوب برابر ۶۶۵ نفر با سطح اطمینان ۹۹٪ محاسبه شده و با توجه به این که جمعیت شهر اصفهان ناهمگن می‌باشد، در ابتدا بر اساس جمعیت محلات مسکونی طبق منطقه بندی شهرداری، سهمیه هر منطقه مشخص و سپس بر اساس نمونه‌گیری تصادفی پاسخگویان انتخاب شدند. ملاک ورود افراد به تحقیق، دارا بودن سن ۱۹-۶۵ سال (جوانان و گروه‌های سنی بالاتر) می‌باشد که در سن ازدواج بوده و انتظار می‌رود بتوانند مستقل شده و یا تشکیل خانواده دهند. جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به وسیله دو پرسشنامه صورت گرفته که شامل؛ پرسشنامه‌ی استاندارد خانواده‌گرایی و پرسشنامه محقق ساخته در خصوص فردگرایی، عقلانیت و نگرش به اشتغال زنان می‌باشد.

مقیاس خانواده‌گرایی توسط استیدل و کانترپراس^۲ (۲۰۰۳) بر اساس چهار بعد مقدم بودن

1- spss

2- Steidl & Kantprass

خانواده بر فرد، افتخار و شرافت خانوادگی، هم‌پیوندی خانوادگی و مطیع خانواده بودن با ۱۸ گویه طراحی شده که ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۳ اعلام گردیده است. در ایران، رجبی و عباس پور (۱۳۹۲) جهت سنجش اعتبار و پایایی مقیاس در مراکز تربیت معلم اقدام به بررسی نموده و با انجام تحلیل عاملی اکتشافی به سه بعد مطیع خانواده بودن، مقدم بودن خانواده بر فرد، افتخار و شرافت خانوادگی در ایران دست یافتند. آلفای کرونباخ کل مقیاس نیز ۰/۷۳ محاسبه گردید. تحقیق حاضر از مقیاس خانواده‌گرایی ایرانی استفاده شده که این پرسشنامه بر اساس خانواده‌های هسته‌ای و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران بررسی و طراحی گردیده است.

پرسشنامه‌ی محقق ساخته جهت بررسی متغیرهای مستقل استفاده شده است. در این پرسشنامه، مولفه‌های مدرنیته (عقلانیت و فردگرایی) و همچنین نگرش به اشتغال زنان مورد سنجش قرار گرفته است. عقلانیت در ابعاد منافع فردی و خانوادگی، آینده‌نگری، حسابگری و وقت‌شناسی در ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته و فردگرایی با شاخص‌هایی چون رقابت در درون خانواده، علائق شخصی، منافع فردی و خوداتکایی با کمک ۸ گویه و نگرش به اشتغال زنان در ۸ گویه در ارتباط با نگرش به حضور زنان در جامعه و اشتغال آنان و وظایف آنان به عنوان همسر و عضو فعال جامعه مورد سنجش قرار گرفته است. این گویه‌ها در طیف لیکرت بین ۱ تا ۵ نمره گذاری شده و برای روایی و اعتبار تحقیق از اعتبار صوری مبتنی بر قضاوت و داوری متخصصان استفاده شده است. جهت بررسی اعتبار پرسشنامه‌ی عقلانیت از اعتبار صوری با مراجعه به اساتید علوم تربیتی و جامعه‌شناسی استفاده و جهت بررسی پایایی از ضریب آلفاکرونباخ استفاده شده که این ضریب در متغیر عقلانیت ۰/۷۰، فردگرایی ۰/۷۱ و اشتغال زنان ۰/۷۹ محاسبه شده است.

متغیر وابسته:

خانواده‌گرایی به عنوان متغیر وابسته در بعد نگرشی مورد بررسی قرار گرفته است. خانواده‌گرایی نگرشی به عنوان یک ارزش فرهنگی تعریف می‌شود که شامل یک هویت فردی و دلبستگی قوی به خانواده‌های هسته‌ای و گسترده فرد و داشتن احساس‌های قوی وفاداری، تقابل و همبستگی در بین اعضای خانواده است (رجبی و عباس پور، ۱۳۹۲: ۲۷). بر اساس دیدگاه نظری خانواده‌گرایی، ماهیت جمع‌گرایی و جهت‌گیری افراد نسبت به آسایش، وفاق و رفاه اعضای خانواده را نشان می‌دهد.

متغیرهای مستقل:

عقلانیت: یکی از پیامدهای مهم مدرنیته، عقلانیت است. عقلانی شدن عبارت است از سازمان دادن به زندگی، با تقسیم و همسازی فعالیت‌های گوناگون بر پایه‌ی شناخت دقیق مناسبات میان انسانها، ابزارها و محیطشان، به منظور تحصیل حداکثر کارایی و بازده بیشتر. در تحقیق حاضر عقلانیت در ابعاد منافع فردی و خانوادگی، آینده‌نگری، حسابگری و وقت‌شناسی در ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

فردگرایی: در بینش فردگرایانه، اصالت به فرد داده شده و همه‌ی قوانین و احکام جمعی بر اساس احکام فردی، انگیزه، قدرت، اعتقاد و قابلیت‌های فردی توصیف شده و انسان در برابر تمامی اجبارها و محدودیت‌ها موجودی آزاد و صاحب اختیار و مسئول اعمال خویش است به طوری که اعمال خود را آزادانه و آگاهانه و بنا به تصمیم شخصی انجام می‌دهد. در تحقیق حاضر فردگرایی در خانواده مورد سنجش قرار گرفته است. فردگرایی با شاخص‌هایی چون رقابت در درون خانواده، علایق شخصی، منافع فردی و خوداتکایی با کمک ۸ گویه سنجیده شده است.

نگرش به اشتغال زنان: این متغیر بر اساس تصور، نگرش و ارزیابی زنان و مردان از مفید یا نامناسب بودن اشتغال زن و تاثیر آن در خانواده مورد سنجش قرار گرفته است. نگرش به اشتغال زنان در ۸ گویه در ارتباط با نگرش به حضور زنان در جامعه و اشتغال آنان و وظایف آنان به عنوان همسر و عضو فعال جامعه مورد سنجش قرار گرفته است.

۴- یافته‌های پژوهش

از میان ۶۶۵ نفر پاسخگو ۴۹/۵ درصد را زنان و ۵۰/۵ درصد پاسخگویان را مردان تشکیل می‌دهند. از این میان ۵۰/۶ درصد متأهل و ۴۵/۹ درصد مجرد می‌باشند. میانگین سن پاسخگویان ۳۰/۵ بوده که بیشترین فراوانی نسبی مربوط به سن ۲۶ سال می‌باشد. قابل ذکر است چون از طیف لیکرت با نمره دهی از یک تا پنج در پرسشنامه استفاده شده، پس از جمع نمرات و محاسبه میانگین، میانگین از نمره کل ۵ ملاک بوده است. داده‌های جدول شماره ۱ حاکی از آن است که میانگین کلیه‌ی ابعاد متغیرها به استثنای متغیر فردگرایی از حد متوسط بالاتر است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته ی تحقیق

انحراف استاندارد	میانگین از ۵	متغیر		
		حمایت خانواده	نگرش به خانواده‌گرایی	وابسته
۰/۸۲	۳/۶۲	افتخار و شرافت خانوادگی	نگرش به خانواده‌گرایی	وابسته
۰/۶۳	۳/۶۴	مطیع خانواده بودن		
۱/۳۱	۳/۶۵	عقلانیت		
۰/۹۲	۳/۴	فرد گرایی	ابعاد مدرنیته	مستقل
۱/۵۲	۲/۸	نگرش به زنان اشتغال		
۱/۱۱	۳/۴			مستقل

۴-۱- آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول- بین عقلانیت و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد: نتایج آزمون همبستگی پیرسون گویای آن است که میزان ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۴۲ می‌باشد. این نشان دهنده‌ی آن است که بین عقلانیت و خانواده‌گرایی همبستگی وجود دارد؛ از آنجایی که سطح اطمینان تحقیق حاضر در سطح ۹۹ درصد اطمینان است، سطح معناداری (p) کمتر از ۰/۰۱ و برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد و گویای آن است که ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معنادار است. بررسی رابطه‌ی عقلانیت و ابعاد خانواده‌گرایی نشان می‌دهد که بین ابعاد خانواده‌گرایی و عقلانیت رابطه مستقیم و از لحاظ آماری، معنی‌دار وجود دارد. باید به این نکته توجه داشت در این پژوهش منظور از عقلانیت، انتخاب عقلانی و کنش عقلانی است و رفتارهای مبتنی بر عقلانیت موجب افزایش خانواده‌گرایی در نمونه شده است. میزان ضریب تعیین بیانگر آن است که ۱۱/۶ درصد از تغییرات خانواده‌گرایی تحت تاثیر عقلانیت می‌باشد.

فرضیه دوم- بین فردگرایی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۰۶ - می‌باشد که نشان دهنده‌ی آن است بین فردگرایی و خانواده‌گرایی همبستگی و با توجه به علامت منفی، رابطه معکوس وجود دارد. سطح معناداری (p) کمتر از ۰/۰۱ و برابر با ۰/۰۰۶ می‌باشد و ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معنادار است. بررسی رابطه‌ی فردگرایی و ابعاد خانواده‌گرایی نشان می‌دهد که بین افتخار و شرافت خانوادگی و مطیع خانواده بودن و فردگرایی رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. اما این رابطه بین حمایت خانواده و فردگرایی وجود ندارد. همان گونه که انتظار می‌رود در صورت ترجیح منافع شخصی بر منافع جمع‌گرایانه، میزان خانواده‌گرایی کاهش نشان می‌دهد. میزان ضریب تعیین بیانگر آن است که ۱/۱ درصد از تغییرات خانواده‌گرایی تحت تاثیر فردگرایی

می باشد.

فرضیه سوم- بین نگرش به اشتغال زنان و خانواده گرایی رابطه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون گویای آن است که میزان ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۰۲ می باشد که نشان دهنده آن است بین نگرش به اشتغال زنان و خانواده گرایی همبستگی وجود دارد اگرچه میزان همبستگی ضعیفی است. سطح معناداری (p) کمتر از ۰/۰۱ و برابر با ۰/۰۰۸ می باشد و گویای آن است که ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معنادار است. بررسی رابطه ی نگرش به اشتغال زنان و ابعاد خانواده گرایی نشان می دهد که بین مطیع خانواده بودن و نگرش به اشتغال زنان رابطه معنی دار وجود دارد. اما بین افتخار و شرافت خانوادگی، حمایت خانواده و نگرش به اشتغال زنان رابطه معنی دار آماری وجود ندارد. نگرش مثبت به اشتغال زنان موجب کاهش خانواده گرایی نشده است. میزان ضریب تعیین بیانگر آن است که ۱ درصد از تغییرات خانواده گرایی تحت تاثیر نگرش به اشتغال زنان می باشد.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

خانواده گرایی				متغیر وابسته	
خانواده گرایی	مطیع خانواده بودن	افتخار و شرافت خانوادگی	حمایت خانواده	متغیر مستقل	
۰/۳۴۲	۰/۳۸۴	۰/۲۸۲	۰/۲۹۰	ضریب همبستگی	عقلانیت
۰/۱۱۶	۰/۱۴۷	۰/۰۷۹	۰/۰۸۴	مجذور همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	p	
-۰/۱۰۶	-۰/۰۸۰	-۰/۱۳۶	-۰/۰۵۸	ضریب همبستگی	فردگرایی
۰/۰۱۱	۰/۰۰۶۴	۰/۰۱۸	۰/۰۰۳۴	مجذور همبستگی	
۰/۰۰۶	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۲	p	
۰/۱۰۲	۰/۱۸۴	۰/۰۱۷	۰/۰۸۷	ضریب همبستگی	نگرش به اشتغال زنان
۰/۰۱	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۷	مجذور همبستگی	
۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۶۶	۰/۰۲۴	p	
۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	حجم نمونه	

به منظور بررسی تأثیر هم زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (خانواده گرایی) و بررسی این که مجموعه متغیرهای مستقل چند درصد از واریانس (تغییرات) متغیر وابسته را تبیین می کنند، از رگرسیون چند گانه و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره ۳، نشان می دهد که مقدار F برابر با ۱۸/۳۳ است و سطح معنی داری

آن برابر با $\text{Sig.} = 0/001$ می باشد بنابراین فرض وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تأیید می شود و با احتمال ۹۹٪ اطمینان می توان معنی دار بودن رابطه را تأیید کرد

جدول ۳: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره خانواده‌گرایی

Sig	F	مجدور میانگین	df	مجموع مجذورات	
0/001	18/33	6/33	5	31/62	اثر رگرسیونی
		0/35	547	192/2	باقیمانده
			552	223/79	جمع

مقدار ضریب تعیین در جدول ۴ نشان می‌دهد که حدود ۱۴/۲٪ تغییرات در خانواده‌گرایی به وسیله ابعاد مدرنیته قابل تبیین است. مقدار $R = 0/376$ ضریب همبستگی چندگانه را نمایش می‌دهد. این ضریب نشان دهنده ی شدت همبستگی بین متغیرهاست. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، متغیرهایی که صرفاً به صورت غیر مستقیم بر خانواده‌گرایی تاثیر گذاشته‌اند مشخص گردید. بر این اساس، متغیر فردگرایی و نگرش به اشتغال زنان فقط به صورت غیر مستقیم بر متغیر خانواده‌گرایی تاثیر گذاشته است. به عبارت دیگر این متغیرها پس از اثرگذاری بر روی متغیر عقلانیت با ضریب بر روی خانواده‌گرایی اثر گذاشته‌اند. نتایج معنی داری ضرایب متغیرهای مستقل در ارتباط با خانواده‌گرایی، پس از بررسی بیشترین میزان β بر اساس تحلیل مسیر متغیری که بیشترین میزان را دارا است، به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شده و نسبتهای غیر مستقیم متغیرها با خانواده‌گرایی سنجیده می شود و در نهایت مدل تجربی ارائه می گردد.

جدول ۴: نتایج آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیره خانواده‌گرایی

خطای استاندارد برآورد St. Er. Of Estimate	ضریب تعیین تعدیل شده Adj. R Square	ضریب تعیین R Square	ضریب همبستگی چندگانه R
0/59	0/134	0/142	0/376

همانگونه که در جدول ۵، مشاهده می‌گردد متغیرهایی که اثر مستقیم آنها با خانواده‌گرایی مشخص شده، متغیر عقلانیت می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون متغیرهایی که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر خانواده‌گرایی تاثیر گذاشته‌اند عبارتند از: متغیر فردگرایی و نگرش به اشتغال زنان. به عبارت دیگر این متغیرها پس از اثرگذاری بر روی متغیر عقلانیت با ضریب بر روی خانواده‌گرایی اثر گذاشته‌اند. مجموع تاثیرهای مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر

مستقل بر متغیر وابسته خانواده‌گرایی را نشان می‌دهد. برای به دست آوردن این مقدار کل، باید مقادیرهای تاثیرهای مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر مستقل را با هم جمع کنیم (جدول ۶).

جدول ۵: نتایج معنی‌داری رابطه‌ی همبستگی ضرایب متغیرهای مستقل با خانواده‌گرایی

Sig.	T	beta	St. Er.	B	
۰/۰۰۰	۷/۲۴	۰/۳۰۳	۰/۰۵۴	۰/۳۹۳	عقلانیت
۰/۷۲	-۰/۳۵	-۰/۰۱۵	۰/۰۳۴	-۰/۰۱۲	فردگرایی
۰/۲۳۹	۱/۱۷	۰/۰۴۸	۰/۰۳۵	۰/۰۴	نگرش به اشتغال زنان

Constant = ۲/۳۴

جدول ۶: تاثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته خانواده‌گرایی

تاثیر کل	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر مستقیم	
۰/۳۰۳	----	۰/۳۰۳	عقلانیت
۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۴	----	نگرش به اشتغال زنان
۰/۰۵۸	۰/۰۵۸	----	فردگرایی

۵- بحث و نتیجه‌گیری

مدرنیته به عنوان یک جریان موثر در تحول ساختارهای اجتماعی بر نهاد خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی در دوران معاصر تاثیر گذاشته است. مدرنیته شرایطی را برای بشر فراهم نموده که قدرت انتخاب او را افزایش داده و زندگی راحت‌تری را با کمک ابزارها و ماشین‌ها به همراه آورده، به گونه‌ای که برگشت به جامعه سنتی را نامحتمل کرده؛ اما همزمان پیامدهای خوشایند و ناخوشایند داشته است. با اندازه‌گیری شاخص‌های مدرنیته در شهر اصفهان ملاحظه شد که این شاخصها از حد متوسط بالاتر بوده و نشان از تاثیرپذیری جامعه از جریان مدرنیته است. میانگین خانواده‌گرایی نیز در بین ساکنین شهر اصفهان از سطح متوسط بالاتر است که بازگو کننده توجه و اهمیت خانواده و ارزشهای آن در بین پاسخگویان است. با بررسی نتایج حاصل از پژوهش مشخص می‌شود که در این پژوهش هرچند که نشانه‌های یک جامعه مدرن قابل مشاهده است، اما خانواده‌گرایی همچنان اهمیت داشته و بالا می‌باشد. خانواده و ارزشهای آن تغییراتی را بر اساس مدرنیته تجربه کرده و از آن تاثیر می‌پذیرد اما این موضوع به معنای از بین رفتن خانواده نیست. این موضوع با تحقیقات آزاد

ارمکی و همکاران(۱۳۸۱)، مدیری و مهدوی (۱۳۹۴)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

عقلانیت به عنوان یکی از ابعاد مدرنیته تاثیر مستقیم و مثبت بر خانواده‌گرایی در نمونه آماری پژوهش داشته است. در این پژوهش عقلانیت رفتار مبنی بر خردورزی و تصمیم و انتخاب عقلانی در مقابل رفتار سنتی تعریف گردیده و مشخص شد با افزایش عقلانیت، از اهمیت خانواده نه تنها کاسته نشده بلکه حتی عاملی در جهت افزایش خانواده‌گرایی محسوب می شود. قابل توجه است نگرش به اشتغال زنان و در نظر گرفتن این که زنان می‌توانند در جامعه فعالیت داشته باشند مثبت بوده و عقلانیت بر این موضوع تاثیر مثبت و مستقیم گذاشته است. در مقابل فردگرایی موجب کاهش خانواده‌گرایی در نمونه آماری شده است. فردگرایی بیشتر به معنای ترجیح خود و انتخاب بر مبنای منافع شخصی در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. افراد جامعه، اندیشه‌هایی را که درباره جهان اجتماعی، خود، آینده و شرایط زندگی دارند، وارد جهانی می‌کنند که آن را توصیف می نماید. بدین سان، آن را به طور بنیادی تغییر می دهند. در چنین شرایطی، افراد جامعه با دسترسی گسترده‌ای که در زندگی جمعی به دانش های تخصصی دارند، سبک زندگی و هویت شخصی شان را خودشان تعیین می‌کنند. (طشت زر و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹) اگر سبک زندگی فقط بر مبنای منافع فردگرایانه و یا اهداف فردی ملاک عمل قرار می گیرند، در زندگی روزمره گاه با کنش هایی مواجه می‌گردیم که با نظام ارزشی و یا منافع جمعی در تضاد است و این موضوع در ترجیحات و انتخابهای فرد و در زندگی خانوادگی نیز قابل مشاهده است. در مقابل احساس ناامنی ناشی از مدرنیته و از طرفی انتخاب عقلانی در دنیای مدرن موجب شده که افراد بیشتر بدنبال کسب امنیت برای خود باشند و چون تمامی نهادهای دنیای مدرن و نظام های انتزاعی نتوانسته به خوبی موجب جلب اعتماد فرد و در نتیجه ایجاد امنیت در وی گردد، او در محیط خانواده خود به دنبال کسب امنیت و آرامش است و بر روی حمایت های خانوادگی به عنوان یکی از راههای کاهش تنش های دوران مدرن حساب کنند. در خانواده اعتماد عقلانی^۱ شکل می گیرد.(مولرینگ^۲، ۲۰۱۱). این اعتماد مبنی بر یک انتخاب عاقلانه بر قابلیت اعتماد است که بر این مبنا شکل می‌گیرد که می‌توان به فرد دیگری اعتماد کرد و احتمال اعتماد کردن در این رابطه، محتمل تر از سوء استفاده طرف مقابل است. اما توجه مفرط به خانواده مبنی بر عقلانیت و فردگرایی در نهایت می‌تواند تهدیدی برای کاهش سرمایه اجتماعی نیز محسوب

1- Rational trust

2- Möllering

شود به گونه ای که هر کس فقط به خود و خانواده‌اش اهمیت می‌دهد. بالا بودن خانواده‌گرایی و برخی ابعاد مدرنیته در این تحقیق نشان می‌دهد خانواده‌های ایرانی به شکلی مدرن شده اند که الزاما به معنای از بین رفتن خانواده نیست. خانواده‌های ایرانی در سبک زندگی و حتی نگرش مدرن شده اند. از جمله در خصوص نگرش به اشتغال زنان میانگین پاسخها بالاتر از متوسط بوده که به صورت غیرمستقیم بر خانواده‌گرایی موثر می‌باشد. این تحقیق نشان داد که مدرنیته در خانواده‌های ایرانی موجب شده که خانواده به عنوان مکانی که سبب افزایش احساس امنیت وجودی می‌گردد، اهمیت خود را حفظ کند. دگرگونی های خانواده در ایران در عین حال که معلول صنعت، شهرگرایی وسیع و نیازهای امروزی از جمله ضرورت تحرک جغرافیایی و گسترش حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و به این اعتبار بازگویی تعارض ارزش‌های سنتی و نوین در جامعه است، اما از پایداری جامعه به ارزش‌های دینی و اخلاقی و از تداوم سنت‌ها و رسوم حاکم بر مناسبات خویشاوندی و اهمیت آن در شکل‌گیری نسل جدید خانواده در ایران نیز حکایت می‌تواند. تاثیر غیرقابل تردید مدرنیته بر جامعه، ما را با اشکال جدیدی از خانواده و ارزشهای آن روبرو خواهد کرد و به نظر می‌رسد تصمیمات عقلانی در حوزه خانواده و مبتنی بر حفظ خانواده و منافع افراد به عنوان عضو خانواده صورت گیرد و این نشان دهنده شکل‌گیری نوعی مدرنیته بومی و متناسب با ارزشهای فرهنگی می‌باشد که سازگار با جامعه ایرانی است و نوید می‌دهد که هرچند احتمال شکل‌گیری مناسبات جدید در روابط زنان و مردان و اشکال جدید خانواده و روابط خویشاوندی محتمل است، اما خانواده و ارزشهای آن در جامعه همچنان اهمیت خود را حفظ خواهد کرد. در انتها پیشنهادهای زیر با توجه به نتایج حاصل از پژوهش ارائه می‌شود:

جامعه در بسیاری از ابعاد ذهنی و عینی مدرن شده است. در کنار ورود مدرنیته خانواده اهمیت زیادی در جامعه داشته و باید مسئولین توجه لازم به آموزش به نسل جوان کشور در زمینه سلامت جامعه و توسعه پایدار معطوف داشته و لازم است تا رسانه های جمعی با تهیه برنامه ها و ارسال پیام هایی به مخاطبین، ضمن تشویق افراد به استفاده از خرد در زمان تصمیم گیریها و خودداری از تصمیمات عجولانه و بر مبنای منافع فردی، افراد را به شرکت در فعالیتهای جمعی به خصوص شرکت در مناسبات فامیلی و مراسم اجتماعی تشویق نموده تا از رشد فردگرایی در محدوده خانواده هسته ای جلوگیری شده و وجه جمع گرایی تشویق گردد تا تصمیمات افراد نیز بیشتر تحت تاثیر مناسبات جمعی و با توجه به منافع مشترک با سایرین اتخاذ شود.

همچنین با توجه به محدودیت‌های روبرو شده در این پژوهش در خصوص پرسشنامه

استاندارد خانواده‌گرایی پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران اقدام به بررسی سایر شاخص‌های خانواده‌گرایی متناسب با فرهنگ جامعه و خانواده‌های ایرانی و بررسی آن در سایر جمعیت‌های آماری نمایند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و جزائی، طاهره (۱۳۸۱). روند تغییرات فرهنگی اجتماعی تهرانی طی سه نسل. *فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)*، ۴۴، ۴۵-۲۴.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۵). تحلیل ارزشهای سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، ۹۷-۱۲۱.
- احمدی، وکیل؛ قاسمی، وحید و کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۱). بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده، *مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱، ۱۰۲-۸۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحولات فرهنگی در جوامع صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳). *تحولات خانواده در حوزه فرهنگهای گوناگون*. مترجم محمد جعفر پوینده. تهران: نشر ماهی.
- جلایی پور، حمیدرضا و گرامیان نیک، محمد (۱۳۹۰). نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی، ارزیابی مفهوم رابطه ناب گیدنز. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱، ۵۲-۱۹.
- جمشیدیها غلامرضا، صادقی فسایی و لولآور، منصوره (۱۳۹۲). نگرش جامعه شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از نظر جنسیتی در تحولات خانواده در تهران، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۵(۲)، ۱۹۸-۱۸۳.
- رجبی، غلامرضا و عباس پور، ذبیح الله (۱۳۹۲). بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده گرایی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۴۲-۲۵.
- رضایی، مریم، (۱۳۹۱)، نقش رسانه‌ها در تغییرات فرهنگی خانواده‌ها، *فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران*، ۳۱، ۵۲-۲۹.
- رفعت جاه، مریم، (۱۳۸۷). *تاملی در هویت زن ایرانی*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*. ترجمه‌ی خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). اعتماد؛ نظریه‌ی جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری. تهران: نشر نی.
- سازمان ثبت احوال استان اصفهان، <http://eocr.ir/>.
- سلطان القرائی، خلیل (۱۳۸۵). فلسفه مدرنیته و نقش آن در تعلیم و تربیت. *نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۱۹۹، ۴۵-۷.
- طشت زر، فریبا؛ حیدری، حسین و روحانی و صاف، جواد (۱۳۹۱). دین و مدرنیته از نگاه آنتونی گیدنز. *دو فصل‌نامه علمی پژوهشی ادیان*، ۱۱، ۹۱-۱۱۶.
- فروتن یعقوب (۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۹ (۲)، ۸۰-۳۹.
- فرهمند، مهناز؛ خرم پور، یاسین؛ پارسائیان، زهره و ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد. *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷ (۳)، ۱۴۹-۱۷۷.
- قاسمی، وحید؛ وحید، فریدون؛ ربانی، رسول و ذاکری، زهرا (۱۳۸۹). شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۷، ۴۳-۶۸.
- عباس زاده محمد؛ سعیدی عطایی، حامد و افشاری زهرا (۱۳۹۴). بررسی برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان). *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴ (۹)، ۴۴-۲۵.
- کرایب، یان (۱۳۸۲). *نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم، زیمل*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *فراسوی چپ و راست*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *چشم اندازهای جهانی*. ترجمه محمد رضا جلائی پور. تهران: انتشارات طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- مدیری، فاطمه و مهدوی، محمد صادق (۱۳۹۴). ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در

- شهر تهران. فصل نامه خانواده پژوهشی، ۱۱(۴۳)، ۲۸۱-۲۹۶.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
 - Inglehart, R. (1997). *Modernization and post modernization: Cultural, economic and political change in 43 societies*. New Jersey: Princeton University Press.
 - Garcia-Huidobro, D., Mendenhall, T. (2015). Family oriented care: opportunities for health promotion and disease prevention. *Journal of family medicine and disease prevention*, 1(2), 2-6.
 - Losada, A., Knight, B. G., Márquez-González, M., Montorio, I., Etxeberria, I., & Peñacoba, C. (2008). *Confirmatory factor analysis of the familism scale in a sample of dementia caregivers. Aging and Mental Health*, 12(4), 504-508.
 - Schwartz, S. J. (2007). The applicability of familism to diverse ethnic groups: A preliminary study. *The Journal of social psychology*, 147(2), 101-118.
 - Ponzetti, J. J. (2003). *International encyclopedia of marriage and family*. New York: Macmillan Reference USA.
 - Widmer, E. D., & Sapin, M. (2008). Families on the move, Insights on family configurations of individuals undergoing psychotherapy. In Widmer, E., & Jallinoja, R. (Eds.), *Beyond the nuclear family: Families in a configurational perspective* (Vol. 9, pp. 279-302). Bern: Peter Lang.